



## هفته نامه خبری حزب وحدت اسلامی افغانستان

UNIVERSITY TOWN, PESHAWAR P.O. BOX: 1073

۴ صفحه : ۲ روپیه پاکستانی ۲۰۰ افغانی

### اعلامیه، شورای نماینده گس حزب وحدت اسلامی در ایران

\* سیاست فعلی حزب وحدت اسلامی و تأکیدات خردمندان، رهبری آن بر این است که ما هرگز به نفع جناح های خاص وارد جنگ نشدیم و خصوصاً هرگونه اقدام نظامی و تحریکات سیاسی بی را که در جهت استحکام دولت مستاصل ریانی باشد، مردود اعلام می داریم.

ملت ما مرکز رفتار حکام هرات را در خصوص سلب مالکیت و تخریب خانه ها تحت عنوان تفکیک و تبعیض قومی و نژادی هراتی و غیر هراتی فراموش ننخواهد کرد (ص ۴)

#### در جلسه کادر های امنیت فاشیستی،

### احمدشاه مسعود «قوماندان خوب» و «سیاستمدار بد» لقب گرفت

منطق صرفاً نظامی، همه طرحهای سیاسی را ناکام ساخت.

\* ثبوت وابستگی به روس و ایران، ذهنیت های ملی و بین المللی را تحریک نمود.

\* مسعود بیشتر از متحدین قوی پرورده گان ضعیف اعتقاد و اتکاء ورزیده است. (ص ۳)

\* شکست هرات ثابت ساخت که تحلیل های مسعود از دوستان و دشمنانش ناقص بوده است.

\* تمام موضعگیریهای دولت فاشیستی بر اساس گزارشها و تحویل های امنیت و داکتر عبدالرحمن بوده است.

### آیت الله سید ابوالحسن فاضل، چهارمین مراسم عروسی اش را جشن گرفت

\* سومین ازدواج موصوف، پس از فاجعه غرب کابل صورت گرفته بود.

\* ماه عسل پیر مرد شصت ساله و دختر شانزده ساله در شمال کابل سپری میگردد.

آیت الله سید ابوالحسن فاضل، یکی از رهبران کهنه کار تشیع درباری، چهارمین مراسم عروسی اش را با دختر شانزده ساله بی در غرب کابل جشن گرفت و پس از ختم مراسم، برای سپری کردن ماه عسل به شمال کابل نقل مکان کرد.

خبرنگار «صفحه نو» از کابل گزارش می دهد که جشن ازدواج سیدفاضل شصت ساله و خانم شانزده ساله اش در فضای آرام و در میان هلهله و شادی مدعوین برگزار گردید. در این مراسم جمعی از اعضای بلند پایه هیأت رهبری شبکه تشیع درباری نیز اشتراک ورزیده و باعث شکوه محفل گردیده بودند. خبر نگار ما در ادامه گزارش خود می نویسد که سومین ازدواج حضرت آیت

#### در جلسه تعیینات شبکه تشیع درباری

### سید عالمی آراء اکثریت خود را به اکثری تفویض کرد

\* سید عالمی، سید مرتضوی و اکبری کاندید های ریاست بودند.

\* سید عالمی، سید مرتضوی و سیدفاضل در تدارک مغرب به ایران آمدند.

\* سید عالمی دو رأی از اکبری بیشتر آورد، اما از مقام خود به نفع اکبری کناره رفت.

\* مسعود متحدین خود را هوشدار داده است که از کابل خارج نشوند.

اعضای شورای مرکزی تشیع درباری، در جلسه تعیینات دو

روزه شان که به تاریخ ۲ و ۳ ۱۳۷۴/۷/۳ در غرب کابل برگزار شد، به سه نفر کاندیدای ریاست رأی دادند.

به گزارش خبرنگار «صفحه نو» از کابل، در این رأی گیری

که آقایان سید عالمی، سید مرتضوی و اکبری کاندید شده بودند،

سید عالمی با آوردن دو رأی بیشتر از اکبری، به ریاست شورا

برگزیده شد، اما در همان جلسه از موقف خود به نفع اکبری کنار

رفت. طبق این گزارش، با وجود آنکه اکبری در جلسه از پذیرفتن

پست ریاست تعلل ورزید، اما اصرار سید عالمی به کنار رفتن

ادامه داشت. بر اساس گزارش خبرنگار ما سید عالمی که وضعیت

سیاسی نظامی کابل را در حال وخامت دیده است، توسط

تعیینات غایبی خود را از مسئولیت های شبکه تشیع درباری

سبکدوش ساخته و همگام با سید مرتضوی و سیدفاضل در تدارک

خروج از کابل میباشند، اما احمدشاه مسعود از دادن اجازه خروج

به آنان امتناع ورزیده و هوشدار داده است که تا زمان روشن شدن

اوضاع، هیچ يك از متحدینش حق بیرون رفتن از کابل را ندارد. ●

#### در این شماره

«امید»

### بیانگر آرمان امید ها

من با امیدی ها بیپلانه ام، چون تبعیض و انحصار، ایمان و مکتب امیدی هاست. شش و نوزده داریم که امید، بیسیصد و هشتاد هزاره، چون حاکمیت سه ساله، امیدی ها سخت، تنهنه به خون هزاره، بوده است! (ص ۳)

#### تشیع درباری!

### جنگ سیاسی و نژادی با شعار مذهبی

شعار و شیعه ها در دهن تشیع درباری صرفاً یک اصطلاح مذهبی برای جنگ و اهداف کاملاً سیاسی میباشد. این چهره های مذهبی، مذهب را به وسیله بی تبدیل کرده اند که با آن آب را گل آلود کنند و مرام خویش را به دست آرند. (ص ۲)

#### تشیع درباری،

### از خیانت مذهبی تا برده گس سیاسی

برای این شبکه، بی ایمان ضد خدا و ضد مردم، هر ارزش مقدس مذهبی، فقط در راستای توجیه و تحکیم پایه های اشرافیت پوسیده، خونی شان مفهوم مییابد و نه غیر از آن.

(ص ۲)

#### بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

تعیینات دوستی!

### سیاست تشدید دشمنی

\* خود بزرگ بینی در چوکات سیاست «دشمنی و دوستی»، نه تنها ماهیت اندیشه خائنه مسعود را بیان میدارد، بلکه بزرگترین توهین به شخصیت ملی اقشار ملت نیز محسوب میشود.

\* سیاست و اخلاق موش و پشک بازی ریانی- مسعود، کمبیدی سیاسی این جامعه و ملت محسوب میگردد که با تأسف در قاعده آن تالاب خون اقشار ملت استفاده است.

گرایش فاشیسم کابل به جانب قربانیان فاشیسم، تاکتیک کاملاً شناخته شده است که هر بار شکست، چهره بی ماهیت و کذاب سکتاریزم تشنه خون و قدرت را به نمایش میکشاند. این جنبه ماهیت کابل سالاران سکتاریست، خالی بودن و پوچ بودن حاکمیت کنونی را از لحاظ درایت سیاسی و ایمان به سرنوشت سیاسی ملت افغانستان بیان میدارد. گرایش فاشیسم کابل به جانب اقشار محروم، که در سه سال اخیر جامعه انسانی آنها آماج وحشیانه ترین حملات نظامی و تبلیغاتی آن بوده است، نه تنها بی ماهیت بودن و بی ثبات بودن مرزگیری یک مشت بی فرهنگ و بیسواد را متبازر مینماید، بلکه بی احترامی نور به دوران رسیده ها را در برابر حیثیت ملی و اجتماعی اقشار محروم ملت نیز بیان میدارد. فاشیسم کابل از ابتدا تا کنون به گونه بی عمل کرده است که خود را در محور هر تصمیم و مصلحت سیاسی ملت انگاشته است: که گویا دیگران، اگر با خیانت سکتاریزم فاشیستی و بی قربانی شدن هزاران انسان جامعه خویش رانده شده اند، با یک اشاره و حسن نیت این دستگاه خورنیز، دو باره به گرد آن جمع میشوند! این خود بزرگ بینی در چوکات سیاست «دشمنی و دوستی»، نه تنها ماهیت اندیشه خائنه مسعود را بیان میدارد، بلکه بزرگترین توهین به شخصیت ملی اقشار ملت نیز محسوب میشود. گرایش فاشیسم ریانی به جانب دیگران، نه تنها شامل جنگ روانی تشیی خود بزرگ بینی این مرکزیت سفاک است، بلکه حاوی جنگ تبلیغاتی برای هراداران این نظام انحصاری و تبعیضی نیز است. از اعلان جهاد، تا تقاضای وحدت و دوستی با اقشار محروم، صرفاً استحکام حاکمیت انحصاری و پیروزی آن بر جامعه برادران پشتون مضمهر است. ورته، مسعود هنوز هم فرمان سالار سکتاریزمی است که جز جنگ و خورنیزی، هیچ وسیله دیگر برای حفظ بقای خویش ندارد. جنگ وقتی به وسیله حفظ بقا تبدیل گردید، صرفاً دشمنی محور بوده و دوستی و گرایش دوستی، آنهم بعد از سه سال مرگ آفرینی و قتل عام دیگران، صرفاً برای تقویت دشمنی است. امر مسلم اینست که فاشیسم کابل، با این سیاست دوستی و دشمنی خویش، هنوز هم ثابت میسازد که هیچگونه اعتقاد و احترام به حیثیت انسانی، اجتماعی و ملی اقشار ملت افغانستان نداشته و فکر میکند که ملاک تصمیم گیری سیاست در افغانستان، همین مرکزیتی است که بدون تردید، بزرگترین لکه تنگ اجتماعی و سیاسی در تاریخ آینده ملت افغانستان خواهد بود.

موضعگیریهای کاملاً متضاد و منقطفی ریانی- مسعود در پهلوی خیانت و به تسخر گرفتن آرمان آزادیخواهی و عدالتخواهی اقشار محروم ملت، بزرگترین اهانت به احساسات سیاسی و عاطفی هراداران نیز محسوب میگردد؛ چون مسعود هیچگاهی نمیتواند که جامعه خویش را گاهی دشمن آشتی ناپذیر جامعه از یک هزاره بسازد و گاهی با کنار آمدن با آنها اندیشه دشمنی را با جامعه پشتون تقویت نماید و امید بقای خویش را در اذهان تداعی کند. سیاست و اخلاق مرش و پشک بازی ریانی- مسعود، کمبیدی سیاسی این جامعه و ملت محسوب میگردد که با تأسف در قاعده آن تالاب خون اقشار ملت استفاده است.

(صفحه نو)

### اعلامیه کانون فرهنگی رهبر شهید و شورای نویسنده گان «امروز ما»

کانون فرهنگی رهبر شهید با همکاری شورای نویسندگان «امروز ما» به مناسبت اولین سالگرد شهادت پیشوای شهید مردم، «عبدالعلی مزاری»، ویژه نامه بی را به نشر میرساند.

از عموم خواهان و برادران صمیمانه تقاضا به عمل می آید که اشعار، مقالات، خاطرات، طرح های ادبی- هنری، عکس و... خویش را به آدرس کانون فرهنگی رهبر شهید ویا اداره «امروز ما» بفرستند.

آدرس کانون فرهنگی:

I/9 - P.O. Box: 117  
Islamabad- Pakistan



صفحه نو

«امید»

بیانگر آرمان امیدی ها

فاشیزم کابل، نقش تبلیغاتی خویش را از طریق جراید متعدد، با شیوه ها و سیاستهای خاص نشراتی عملی کرده است. نشراتی که موجودیت و حاکمیت بیسودی قرن را در کابل ترویج می نمایند...

بخش دیگر، عبارت از نشراتی اند که در بیرون از کشور فعالیت داشته و بازهم هرکدام با سیاستهای خاص، برای استحکام حاکمیت فاشیستی کابل تلاش دارند. رکن اساسی محتویات این نشریات را مضامینی تشکیل میدهند که گویا با عدم وابسته گی به کابل، صرف برای حقیقت و راستی حرف میزنند!

گروخت و خون مردمان یک ولسوالی حفظ می نماید. نشریات وابسته به فاشیزم کابل، بعضی چهره کاملاً فرهنگی به خود گرفته اند و جنبه شعر تغزلی فلان شاعر را در زمانی به چاپ میرسانند که باید برای شوق وصال و رسیدن به هدف، پانجه هایش را بر بزند و از زمینه خون یک ملت بگذرد.

دسته دیگر، نشراتی اند که از یک طرف از سیاست و آینده سرنوشت ملت حرف میزنند و از طرف دیگر مژده کنسرت و مدهوری دیکست ستاره ستاره گان سینمای هند را میدهند!

دارد به نا امیدی مطلق میرسد و برای سقوط هرات آنقدر عصبی شده است که برای اولین بار ماهیت فاشیزم کابل را در سطح مطبوعات کشانیده است. این نشریات که هم سیاست میکنند و هم دلالت، با بی عمق ترین و بیدرد ترین موضعگیری خویش داد میزنند که: «ای هراتی قهرمان که در آن شهر خون و شهادت، قرنها رایت آزاده گی را بر افراشته داشتی بار دیگر به پا خیز...»

انسان خیال میکند که مدهوری دیکست، بعد از صحنه رقص و عشقش با قهرمان فلم، پیراهنش را راست میکند و با موهای ژولیده شعار میدهد که: زنده باد انقلاب! نشریه «امید»، فریاد مسؤولیت از جنرله «مدهوری دیکست» است. نشریه «امید»، فریاد عدالت و خون از جوار عکس هم آغوش «رحیم جهانی» و سلما خانم است! نشریه «امید»، تعهد هم آغوش با ابتذال و طهارت پا لجن است. نشریه «امید»، تراژیدی سقوط هرات با مژده کنسرت لیلا فروهر است!

و این نه در جنبه اشک و لیخند زنده گیست که این سرنوشت به خون نشسته، یک خلق در جوار دلالت و بازاربایستی. ... و دلالت اگر سیاست کند باید بگوید که: «هدفش در افغانستان مسلط کردن پشتون بر تاجک و دیگر اقوام است با این منطق احفانکه که حکومت کردن سنت پشتون ها بوده و تابعیت از آن سرنوشت دیگر اقوام...»

من که هنوز از زخم افشار و غرب کابل و چنداولم خون جاریست، خوب درک میکنم که فاشیزم کابل با ماهیت سنکراسیستی ملیت گرای، حاکمیت کی را میخواهد در کابل حفظ نماید؛ چون محسنتی و اکبری به عنوان دو تاجک شیعه با این اعتقاد و مفکوره، جوار هزاره شیعه را ترک گفتند که: «بعد از سالها و تقریباً قرن، قدرت سیاسی کشور ما افغانستان به دست ملیت محکوم تاجک انتقال نموده، فرمان غول پشتون را دیگر بالای ما احساس نمیکنیم.»

من وقتی اسم هزاره را در نشریه «امید» میخوانم، تعجب می آید که چرا در پهلوش «خر» و «ولفک چپات» و «پتق» و «اولاد چنگیز» نمی نویسند. امیدی ها درسه سال فاشیزم خود، برای من هویتی دادند که در عقب چهره «خونریزی» و «سفاک» هیچکسی محرومیت و مقاومت

انسانی و عادلانه ام را در غرب کابل درک نکند. و اینک که فاشیزم مطلوب شان به سقوط مراجعه شده است، باز مرا هزاره پر درد و «هزاره محروم» مینویسند!... و ننگ دارم که در نشریات فاشیستی، اسم هزاره را با درد و محرومیت آن مینویسند. از ناهم نفرت دارم، وقتی می بینم «هزاره» را در نشریه امید مینویسند: چون توقع من از امیدها اینست که خونم را بریزند و مرا محکوم کنند که «میخ به کله ها زده ام» و «آدمها را در کانتینر سوختانده ام» و انسان را واسکت بریده ام! آری، امیدی ها صرفاً با همین چهره و تبلیغات برای من واقعیت دارند!

وقتی «امید» چهره و درد من را به رخ خویش میکشد، یکبار دیگر باورم میشود که فریب و دودخ و خدعه و نیرنگ، وسیله گرایش دروغین فاشیزم کابل به جانب افشار محروم است. جامعه هزاره و تاریخ خزینار سه ساله آن در دوران حاکمیت فاشیستی امیدها، آن خلا سیاسی افشار ملت را پر نمود که دیگر نباید با علایقی که هیچگونه زمینه تاریخی و اجتماعی مشترک ندارند، به مبارزه سیاسی متوسل شوند و بدون شناخت از ماهیت عظمت طلبی های تشنه گان قدرت، صادقانه ترین آرمان عدالت سیاسی و اجتماعی خویش را در جوار سنگری قرار دهند که اولین خنجرش تن خودشان را پاره کند و بزرگترین اهانت و بدنامی اجتماعی را در سطح یک ملیت نصیب شان نماید تا به قیمت خون و بدنامی شان، خود بزرگ بینی نژادی و اجتماعی امیدها به اثبات رسد. به شرف و حیثیت اجتماعی توهین احساس میکنم وقتی در نشریه «امید» مینویسند «برادر هزاره»! چون من داد میزنم که «امید» مرا نفرین کن، مرا فحش بده، مرا خیانت کار و خونریز و چنگیز و آدمکش بگو و اما برادر نگو! که من فرزند مردمی هستم که پشواره محرومیت را با هزاران زخم خنجر بر تن بسته اند و امیدها، فرزندان «تشنه به خون هزاره» برای جنگ انحصار قدرت اند. من فرزند تاریخ خون و محرومیت یک خلقم و سخت با برادری با فاشیستان بیگانه ام. «امید» از دنیایی مرا به برادری میخواند که از دستاخن خون من میچکد و نظام امیدی، بزرگترین درد اجتماعی را بر قلب اجتماع و انسانم وارد کرده است. امیدی ها برای اینکه فریاد عدالت سیاسی جامعه، من را نابود کنند، مرا شهادت و جلا و خونریز و بربر و ددمش گفته و به تیر و مسلسل بستند.

«امید» زبان محرومیت نیست، زبان جنگ رقابت و برتریست. زبانی نیست که بگوید: احمد شاه مسعود، این فاشیست کر و کور، برای انحصار حاکمیت و دشمنی با پشتون، شرف و حیثیت انسانی و عدالتخواهی هزاره و ازبک را با خون شان رنگین کرد و این خصیصه فاشیزم مسعود است که برای قدرت و انحصار، خیانت را با خون و شخصیت برادر به سر رسانند... و اینک فصل شکست فاشیزم است و من کراهتم می آید که وقتی «برادر هزاره» را در نشریه «امید» میخوانم و از بس نفرت می آید، نهره میزنم که «امید»، بنوس که هزاره آدمکش، آدمخوار، چنگیزی، بی فرهنگ و نا انسان... اما بنویس که «برادر هزاره»، که خوب میدانم که تو با برادری هزاره، به جانب دشمنی با پشتون میروی و اما من، فرزند عدالت و برابری و محروم یک قرنه، یا هیچکسی جز نظام سیاسی غیر عادلانه و غیر انسانی دشمن نخواهم بود. بنویس «امید» که هزاره جلا و جگر خور، که این حقارت از دهن تو، حقانیت و انسانیت و اندیشه انسانیم را به اثبات میرساند؛ و بنویس که «برادر» چون فرزند فقیر خلق، هیچ انگیزه برادری با امیدی ها ندارد؛ چون فاشیست، از جامعه انسانی به دور است؛ چون انسان، برادر فاشیست نیست؛ و من، هزاره، قربانی اندیشه و قدرت نظام فاشیزم بوده ام و جامعه من، برای انحصار قدرت مصلوب شده است؛ من با امیدی ها بیگانه ام، چون تبعیض و انحصار، ایمان و مکتب امیدی هاست. ننگ و نفرت دارم که «امید» مینویسد «برادر هزاره»! چون حاکمیت سه ساله امیدی ها سخت «تشنه به خون هزاره» بوده است!

- (۱) نشریه امید، شماره ۲۱، سال چهارم، ۲۰ سنبله ۱۳۷۴، ص ۲، سخن اول. (۲) همان صفحات ۲، ۳، ۴، ۵. (۳) خبرنگار، وحدت، ش ۵۸۹، ص ۷، سند پروژه و آزادی.

سه تن از قوماندانان برجسته متعلق به تشیع در باری تسلیم شدند

\* با تسلیم شدن قوماندانان و افراد فریب خورده تشیع در باری، ولسوالی بلخاب آرامش خود را باز یافت.

خبر نگار نظامی «صفحه نو» از دره صوف گزارش میدهد که پس از یک عملیات موفقانه تصفیوی در ولسوالی بلخاب، نیروهای وابسته به چپه فاشیستی از مناطق سرخون، سریند، آب میدان، کاشان و سایر نقاط این ولسوالی عقب رانده شد و سه تن از قوماندانان برجسته آنها با کلیده افراد تحت فرمان خویش، تسلیم نیروهای ضد فاشیستی گردیدند. طبق این گزارش، فعلاً امنیت و آرامش ولسوالی بلخاب کاملاً تأمین گردیده و مردم همبستگی و حمایت خویش را از دستورات مقام رهبری حزب وحدت اعلام کردند.

احمدشاه مسعود «قوماندان خوب» و «سیاستمدارید»...

برای تثبیت پایه های حاکمیت خود، بیشتر از متحدین قوی بر برده گان ضعیف اعتقاد و اتکا، ورزیده است. فهمیم گفت که مسعود قوماندان خوب و دارای تجربه و روحیه فراوان نظامی بوده اما در میدان سیاست، بدترین و ناقص ترین شیوه ها را به کار برده است. داکتر عبدالرحمن نیز با اشاره به شکست هرات، یکی از عوامل عمده آن را ناقص بودن تحلیل مسعود از دوستان و دشمنانش خوانده، گفت: دولت کنونی، بیشتر از هر چیزی دیگر قربانی سیاست کشور هایی گردیده است که با دغلیازی و ریاکاری، خود را دوست احمدشاه مسعود قلمداد کرده و در واقع وی را در برابر سیاست های بین المللی فریب داده اند. داکتر عبدالرحمن افزود که اعتماد بی موجب مسعود به دوستان خارجی اش، تمام طرحها و برنامه های آنان را برهم زده است.

سران حاکمیت فاشیستی به منظور بررسی عوامل شکست هرات و نیز طرحهای دفاعی آینده در برابر حملات بر کابل، جلسه یی را به تاریخ ۱۳۷۴/۶/۲۹ در ریاست امنیت فاشیستی برگزار کردند که آقایان مسعود، فهمیم، داکتر عبدالرحمن، داکتر عبدالله و جمعی دیگر از کادر های امنیت در آن اشتراک ورزیده بودند.



# در آینه هفته

از منابع بیسن المللی

۱۳۷۴/۷/۸

\* اعتصاب يك روزه به دعوت جنبش قومی مهاجر، وضع گراچی، بزرگترین شهر پاکستان را مختل ساخت. این اعتصاب در منطقه تحت کنترل جنبش قومی مهاجر به طور کامل اجرا شد. در این منطقه قام مغازه ها بسته و خیابانها خلوت بودند. جنبش قومی مهاجر علت این اعتصاب را کشته شدن سه تن از فعالان خود در زندان پلیس اعلام کرد.

\* دولت لیبیا تصمیم گرفت که هفته آینده پنج هزار نفر از فلسطینیانی را که در این کشور پناهنده اند، اخراج کند. مهاجرین فلسطین باید از راه خشکی، دریا و هوا خاک لیبیا را ترک کنند. يك سخنگوی سازمان ملل متحد گفت که پناهجویان اخراج شده فلسطینی در بلا تکلیفی و وضع بدی به سر می برند.

\* بر اساس ادعای مقامات الجزایری، مردانی مسلح با حمله به يك سرویس مسافر بری، سیزده نفر را کشته و پانزده نفر دیگر را زخمی کردند. این حمله در منطقه ای در چهار کیلومتری شهر الجزیره روی داد. مقامات دولتی، مبارزین اسلامی را مسؤول این حمله اعلام کردند.

\* وزرای خارجه، اسرائیل و عمان طی دیداری در نیویارک، جهت برقراری دفاتر تجارتي دریابخت های یکدیگر به توافق رسیدند. در ماه دسامبر سال جاری اسحق رابین نخست وزیر اسرائیل، دیداری از عمان به عمل آورد که نخستین دیدار يك رئیس دولت اسرائیل از يك کشور عربی در حوزة خلیج فارس بود.

\* استیقن یکی از فزیکدانان برجسته جهان در مقدمه ای که برای کتاب جدیدی در باره فزیک ستاره گان نوشته، گفته است که یکی از نتایج فرضیه حرکت سریع بین ستاره گان در محور زمان، این است که سفر معکوس یعنی سفر به گذشته نیز امکان پذیر است. هر چند وی در عین حال می گوید که چنین سفری احتمالاً هرگز عملی نخواهد شد. موصوف قبلاً امکان سفر به گذشته را رد کرده و آن را مسخره و غیر منطقی خوانده بود. خبر نگاران گفتند که پروفیسور استیقن از جمله ستاره شناسان و فزیکدانان برجسته ای است که معتقدند با استفاده از فرضیه عمومی نسبیت انشتین می توان سفر به گذشته در محور زمان را امکان پذیر کرد.

۱۳۷۴/۷/۱۰

\* زمین لرزه شدیدی در غرب ترکیه، خسارات و تلفات شدیدی برجای گذاشت. بر اساس خبر تلویزیون ترکیه، در این حادثه بیش از پنجاه نفر کشته، حدود دوصد نفر زخمی و تقریباً يك سوم ساختمانها فرو ریخته اند. اجساد زیادی هنوز در زیر آوار باقی مانده اند.

\* ساکنین شهرک یهودی نشین در سرزمین های اشغالی، در اعتراض علیه توافق هفته گذشته میان اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین، تظاهرات کردند. تظاهرات کنندگان میخواستند که منطقه اشغالی دره اردن همچنان تحت کنترل اسرائیل باشد. رادیو اسرائیل گفت پس از آنکه يك افسر اردنی قول داد که اعتراض شان را به ملك حسین پادشاه اردن خواهد رساند، به محل زنده گی خود برگشتند.

\* محمود مستیری برای انجام مأموریت خود برای دومین بار در طی يك هفته به کابل و مزارشرف مسافرت کرد. وی قبل از این سفر، در تهران با مقامات ایرانی نیز گفتگو کرده بود. ربانی گفته است که اگر مخالفتش توافق کنند، وی آتش بس را بدون قید و شرط می پذیرد.

\* بی نظیر بهتو نخست وزیر پاکستان، طی يك کنفرانس مطبوعاتی گفت که کشورش در امور داخلی افغانستان مداخله نمی کند. وی حاکمیت فاشیستی کابل را متهم کرد که از هند کمک دریافت می دارد. وی همچنان گفت: اطمینان دارم که مردم افغانستان طرفدار پاکستان هستند و علیه دولت ربانی میجنگند.

## اعلامیه و شورای نماینده گي حزب وحدت اسلامی در ایران

و مکرراً و مکرراً و الله خیر الامورین

هروطنان دریند و مهاجر،

و خامت اوضاع سیاسی و نظامی افغانستان باتوجه به تحولات و دگرگونی های حوزه جنوب غرب و سقوط پیاپی مراکز عمده دولت نام نهاد ربانی در این ساحات، و همچنین فرار تورن اسمعیل خان با تمامی قوتهای نظامی اش، به حساس ترین مرحله خود رسیده است.

اشتباهات عظیم و تاریخی باند فاشیسم مسعود - ربانی و تحمیل شدید ترین و بیرحمانه ترین جنگها بر ملت افغانستان، به ویژه مردم مظلوم و ستمدیده غرب کابل، و حملات ددمشانه، هوایی بر مناطق مسکونی بامیان و... اداره کابل را در آستانه سقوط حتمی و قریب الوقوع قرار داده است. با وقوف بر این مسایل، در این روزها اداره پندام کابل و سرپرده گان خائن آن اقدام به تدارک و جمع آوری نیرو نموده و با استفاده از امکانات هنگمت مالی و هماهنگی های نابخردانه، در تمامی شهر های ایران به ویژه مراکز تجمع مهاجرین و آواره گان، مردم متدین ما را میخوانند اغفال نمایند و آنان را به جنگ در هرات و حوزه جنوب غرب اعزام دارند که هرگز به نفع حال و آینده مردم ما نخواهد بود. سیاست فعلی حزب وحدت اسلامی و تاکیدات خردمندان، رهبری آن بر این است که ما هرگز به نفع جناح های خاص وارد جنگ نشده و خصوصاً هر گونه اقدام نظامی و تحرکات سیاسی بی را که در جهت استحکام دولت مستأصل ربانی باشد، مردود اعلام می داریم.

مهاجرین آگاه،  
توصیه حزب وحدت اسلامی با آگاهی از مجبوریت ها و اقدامات ناشی از غربت و آواره گی و هزاران مسایل جنسی آن، این است که از وارد شدن در چنین جنگ ناخواسته جداً خودداری نموده و با کسانی که تحت هر عنوانی به طور مزورانه و شیطنت آمیز ایجاد وسوسه مینمایند، به طور جدی و با منطق محکم مقابله نمایند. ما هرگز نمیخواهیم خون پاک و مطهر شما در مسیر خیانت و اقتدار مجدد علاءالدین خان و نهایتاً تحکیم دولت مستأصل کابل ریخته شود.

ملت ما هرگز رفتار حکام هرات را در خصوص سلب مالکیت و تخریب خانه ها تحت عنوان تفکیک و تبعیض قومی و نژادی هراتی و غیر هراتی قراموش نخواهد کرد. درایت، دور اندیشی و آگاهی شما مهاجرین درموند و مقاوم مروجبات عزت، افتخار و سرافرازی حزب بوده است. والسلام علی من اتبع الهدی  
شورای نماینده گی حزب وحدت اسلامی  
تهران ۱۳۷۴/۷/۸

### سقوط سنگر های مهم در سنگلاخ، جبهه فاشیستی را در پغمان آسیب پذیر ساخته است

نیروهای تکست خورده به سوی دره، پشه یی و سایر نقاط همجوار پراکنده شدند.

\* **فرماندانان موسی فرماندهی عملیات را بر عهده داشته است.**  
\* **با سقوط سنگلاخ، پغمان تحت فشار شدیدتری قرار می گیرد.**

پس از چندین ماه جنگ فرسایشی، نیروهای «طالبان» روز شنبه ۱۳۷۴/۷/۸ حمله سنگینی را بر علیه نیروهای فاشیستی در سنگلاخ آغاز نموده و تمامی سنگر های استراتژیکی آنان را تسخیر کردند. به گزارش خبرنگار نظامی «صفحه نو» از

بمسود، فرماندهی نیروهای «طالبان» را در این عملیات فرماندانان موسی که قبلاً تحت نام حرکت انقلاب فعالیت داشت، بر عهده دارد. طبق این گزارش، نیروهای فاشیستی که در طول هفت ماه گذشته توسط هیل کویتر اکمال می شدند، در برابر حمله سنگین

### متنفذین و موسفیدان ولسوالی لعل و سرچنگل با استاد خلیلی دیدار کردند

مشکلات و نیازمندی های مردم لعل و سرچنگل مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

محترم استاد خلیلی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی به تاریخ ۱۳۷۴/۶/۲۱ جمعی از موسفیدان و متنفذین ولسوالی لعل و سرچنگل را در مقر رهبری حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته، در مورد وضعیت جاری کشور و مخصوصاً مسایلی که در هزاره جات جریان دارد، مفصلاً با آنها صحبت نمودند.

به گزارش خبرنگار «صفحه نو» در این دیدار که محترم استاد صابری عضو شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی نیز حضور داشتند، دبیر کل حزب وحدت اسلامی، پیرامون مسؤولیت ها و مکلفیت های مردم لعل و سرچنگل در رابطه با سرنوشت سیاسی و اجتماعی شان روشنی انداخته، در زمینه های لازم رهنمود های مشخصی ارائه داشتند.

### شبکه تشیع درباری بر نیرو های نظامی اش اعتماد ندارد

\* مسؤولین نیروهای نظامی متهم به سازماندهی قرار نیروها از جبهات فاشیستی گردیده اند.  
\* این امر باعث می شود در نیروهای اعزامی در پاجان با تشیع قوه بیجه، فاشیستی را توه گفته اند.  
\* دستور تصفیه نیروها را سید مصطفی کاظمی و سید حسین انوری صادر کرده اند.

شورای مرکزی شبکه تشیع درباری در جلسه مورخ ۱۳۷۴/۷/۸ تصویب نمود که باید صفوف نظامی این شبکه از تمامی فرماندانان و نیروهای مشکوک تصفیه گردند. در این جلسه گفته شد که سیدمصطفی کاظمی و سید حسین انوری که قبلاً به حیث فرماندانان نیروهای اعزامی تشیع درباری در هزاره جات به سر می برند، عامل شکست جبهه خوش را موجودیت افراد و فرماندهان مشکوک بیان داشته اند که نیروهای نظامی را به فرار تشویق و نحوه ارتباطات آنان را با جبهه ضد فاشیستی سازماندهی می کنند. در این جلسه متن دستور کتبی آقایان سیدکاظمی و سیدانوری مبنی بر تصفیه فرماندانان و افراد فوق الذکر نیز قرائت گردید.

خبرنگار «صفحه نو» به نقل از يك منبع مسؤول در شبکه تشیع درباری می نویسد که از آغاز جنگهای فاشیستی در هزاره جات تا کنون، بیش از شصت درصد نیروهای اعزامی، با اسلحه و تجهیزات دست داشته خرد جبهه فاشیستی را ترک و به صف مدافعان مردم پیوسته اند.

### مهاجرین افغانی در ایران، در رویارویی با توطئه های تازه

فاشیزم از احساسات مهاجرین برای استحکام پایه هایش سؤ استفاده میکند.

\* **تحریکات مذهبی، لسانی، مذهبی، و انتقام خون رهبر شهید، انگیزه جنگ در هرات تبلیغ میشود.**  
\* **شورای نماینده گی حزب وحدت اسلامی در ایران، مهاجرین را از توطئه های فاشیسم و شبکه تشیع درباری هوشدار داد.**

همچنین از خیانت «طالبان» در حق رهبر شهید یادآوری نموده، مهاجرین افغانی را به گرفتن انتقام دعوت می کنند. در همین حال، شورای نماینده گی حزب وحدت اسلامی در ایران، با انتشار اعلامیه ای از تمامی ترفند ها و توطئه های ضد ملی حاکمیت فاشیستی و دلقکان خود فروخته تشیع درباری برده برداشته، مهاجرین را هوشدار داده است که در برابر تبلیغات سوء و مغرضانه دشمنان ملت اغفال نگردند. در این اعلامیه هرگونه اقدام نظامی و تحرکات سیاسی بی که در جهت استحکام حاکمیت فاشیستی باشد، مردود اعلام گردیده و به مهاجرین توصیه شده است که از وارد شدن در چنین جنگهایی که هرگز به نفع حال و آینده مردم ما نیست، خود داری نمایند.

حاکمیت فاشیستی، برای فعال ساختن جبهه جنگ در هرات تلاش تازه بی را آغاز نموده و به جمع آوری نیرو از میان مهاجرین اقدام کرده است. خبرنگار «صفحه نو» از تهران گزارش میدهد که دولتمداران فاشیستی، شبکه تشیع درباری را با پشتوانه هنگمت مالی مأمور ساخته اند تا با استفاده از تحریکات نژادی، لسانی، مذهبی و نیز انتقام خون رهبر شهید، مهاجرین را بسیج نموده و به جبهه هرات گسیل دارد. طبق این گزارش، مبلغین شبکه تشیع درباری، تاکزیری مهاجرین به خاطر بد رفتاری های دولت ایران را وسیله قرار داده آنها را تشویق میکنند تا به جبهه فاشیستی بپیوندند و از به قدرت رسیدن «طالبان» که مظهر حاکمیت برداران پشتون تبلیغ میشوند - جلوگیری نمایند. این مبلغین